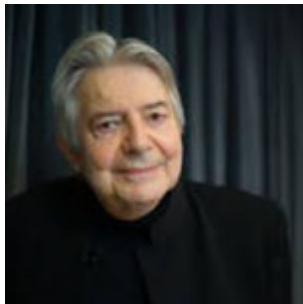


گفت و گو با آبنسور، نانسی و رانسیر در باره «دموکراسی»، «مردم» و...



گفت و گو فصلنامه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی Vacarme

با سه فیلسوف فرانسوی

ژاک رانسیر، ژان لوک نانسی و میگوئل آبنسور

در باره مفاهیم «دموکراسی»، «مردم» و...

(2009)

به زبان فرانسه

مفهوم «دموکراسی» (Démokratia) و مفهوم «مردم» (Peuple – People) در کانون مصاحبه‌ای قرار دارند که سه فیلسوف معاصر فرانسوی: میگوئل آبنسور (Miguel Abensour) (وی در سال پیش درگذشت)، ژان لوک نانسی (Jean-Luc Nancy) و ژاک رانسیر (Jacques Rancière) را گرد هم می‌آورد. این سه اندیشمند، با شهرتی جهانی، از چهره‌های مهم فلسفه‌ی قرن بیستم و از سال‌های 1960 به بعد هستند. فلسفه‌ای که به گفته‌ی آلن بدیو (Alain Badiou) با فلسفه‌ی مارکسیسم و فلسفه‌ی پست‌مدرنیسم مشخص می‌شود.

پرسش دموکراسی چیست؟ از زمان سقراطیان یونان تا کنون یکی از مسائل و بغرنج‌های اصلی فلسفه‌ی سیاسی را تشکیل داده است. امروزه

دو جبهه، همان طور که در ابتدای مصاحبه مطرح می‌شود، رو به روی هم قرار دارند: آن‌هایی که مدافع «دموکراسی نمایندگی» (با دولت État State – بر رأس آن) هستند و معتقدند که این رژیم بهترین و مناسب‌ترین سیستم ممکن است و آن‌هایی که دموکراسی امروزی در دموکراسی‌های واقع موجود کنونی را «دموکراسی صوری (فرمال)» می‌نامند و به کل آن را به نام به اصطلاح «مبارزه طبقاتی» یا «سوسیالیسم» نفی و رد می‌کنند. در مقابل این دو جبهه، موضع دیگر و سومی قرار می‌گیرد که سه فیلسوف نامبرده از آن صحت می‌کنند: دموکراسی با توصیف رادیکال، رهایی‌خواه، شورشی، دموکراسی چون دخالت‌گری، در همین جا و از هم اکنون، برای رهایی از سلطه‌های گوناگون، به‌ویژه از سلطه‌ی دولت (État – State) . به بیانی دیگر ۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰ ۰۰۰۰، به گفته‌ی آبنسور.

در ورای مسأله‌ی دموکراسی، که به معنای قدرت Kratos دِموس Dèmos (مردم) است، دومین پروبلماتیک را مفهوم بغرنج «مردم» تشکیل می‌دهد، که به همان اندازه‌ی دموکراسی مسأله‌انگیز می‌باشد. «مردم» امروزه ، در زمانی‌که (دیگر) از «طبقه تاریخی و نجات بخش» یا «سوژه تاریخی»... سخن نمی‌رانیم، به چه معناست؟ مردم «یکی» است یا چندگانه و بسیارگونه Multitude ؟ در حالتی که «یک» نباشد، پس «مردم» نداریم بلکه «مردم»‌ها داریم یا تضادها، همسویی‌ها و هم‌ستیزی‌های‌شان. انسان‌هایی منفرد اما اجتماعی که در لحظه‌ای، برهه‌ای و مقطعی مشخص از زمان و تاریخ ، که همیشه وجود ندارد، و در جریان رخداد مبارزاتی، انقلابی مجتمع و متحد می‌شوند و خود را «مردم» اعلام می‌دارند و به نام «مردم» سخن می‌رانند.

در همین راستا، مقوله «حاکمیت» (Sovereignty – Souveraineté) طرح و به زیر پرسش اساسی برده می‌شود. حاکمیت بخشی از مردم بر بخش دیگر؟ که در این صورت اصل سلطه که نافی رهایی است دوباره به صورتی دیگر و این بار به نام «مردم» واهی وارد صحنه می‌گردد.

در یک کلام، آن چیست که «دموکراسی»، «مردم» و «حاکمیت» می‌نامند؟ سه مفهومی (concepts) که امروزه همگی مورد پرسش جدی فلسفه‌ی سیاسی و اندیشه‌ی سیاسی واقع شده‌اند و در گفت و گویی که می‌خوانید موضوع بحث آبنسور، نانسی و رانسیر می‌باشند.

فلسفه‌ی سیاسی‌ای که فرا می‌رسد، اگر به خواهد شایسته‌ی زمانه‌ی خود باشد، موظف است که به پرسش‌های بالا پاسخ‌هایی دیگر، نو و درخور دهد.

پاریس

23 مارس 2018

شیدان وثیق